

الرَّسُول بولس أمام الوالي فيليكس

¹ وَبَعْدَ خَمْسَةِ أَيَّامٍ انْخَدَعَ خَتَانِيًّا رَئِيسُ الْكَهَنَةِ مَعَ الشُّيُوحِ وَخَطِيبِ، اسْمُهُ تَرْتُولُسُ، فَعَرَضُوا لِلْوَالِي صِدْقَ بُولُسٍ. ² فَلَمَّا دُعِيَ ابْتَدَأَ تَرْتُولُسُ فِي الشَّكَايَةِ قَائِلًا: إِنَّا خَاصِلُونَ بِوِاسِطَتِكَ عَلَى سَلَامٍ جَزِيلٍ وَقَدْ صَارَتْ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَصَالِحٌ بِتَذْيِيرِكَ فَتَقَبَّلْ ذَلِكَ، أَيُّهَا الْعَزِيزُ فِيلِكْسُ، بِكُلِّ شُكْرِ فِي كُلِّ زَمَانٍ وَكُلِّ مَكَانٍ. ⁴ وَلَكِنْ لَيْلًا أَعُوذَكَ أَكْثَرَ التَّمَسُّ أَنْ تَسْمَعَنَا بِالْإِخْتِصَارِ بِحِلْمِكَ. ⁵ فَإِنَّا إِذْ وَجَدْنَا هَذَا الرَّجُلَ مُفْسِدًا وَمُهَيِّجَ فِتْنَةٍ بَيْنَ جَمِيعِ الْيَهُودِ الَّذِينَ فِي الْمَسْكُونَةِ وَمَقْدَامَ شِبَعَةَ النَّاصِرِيِّينَ ⁶ وَقَدْ سَرَعَ أَنْ يُنَجِّسَ الْهَيْكَلَ أَيْضًا، أَمْسَكْنَاهُ وَأَرَدْنَا أَنْ نَحْكُمَ عَلَيْهِ حَسَبَ تَامُوسِنَا، فَأَقْبَلَ لِيَسِيَّاسُ الْأَمِيرُ يُعْنِفَ يَهِيدٍ وَأَخَذَهُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا ⁸ وَأَمَرَ الْمُشْتَكَيْنَ عَلَيْهِ أَنْ يَأْتُوا إِلَيْكَ، وَمِنْهُ يُمَكِّنُكَ إِذَا فَحَصْتَ أَنْ تَعْلَمَ جَمِيعَ هَذِهِ الْأُمُورِ الَّتِي تَشْتَكِي بِهَا عَلَيْهِ. ⁹ ثُمَّ وَافَقَهُ الْيَهُودُ أَيْضًا قَائِلِينَ: إِنَّ هَذِهِ الْأُمُورَ هَكَذَا.

الرَّسُول بولس يحتج أمام الوالي فيليكس

¹⁰ فَأَجَابَ بُولُسُ، إِذْ أَوْمَأَ إِلَيْهِ الْوَالِي أَنْ يَتَكَلَّمَ: إِنِّي إِذْ قَدْ عَلِمْتُ أَنَّكَ مُنْذُ سِنِينَ كَثِيرَةٍ قَاصٍ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ أَحْتَجُّ عَمَّا فِي أَمْرِي بِأَكْثَرِ سُرُورٍ، وَأَنْتَ قَادِرٌ أَنْ تَعْرِفَ أَنَّهُ لَيْسَ لِي أَكْثَرُ مِنْ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا مُنْذُ صَعِدْتُ لِأَسْجِدَ فِي أُورُشَلِيمَ، ¹² وَلَمْ يَجْدُونِي فِي الْهَيْكَلِ أَحَاجٌ أَحَدًا أَوْ أَصْنَعُ تَجَمُّعًا مِنَ الشَّعْبِ وَلَا فِي الْمَجَامِعِ وَلَا فِي الْمَدِينَةِ، ¹³ وَلَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُثْبِتُوا مَا يَشْتَكُونَ بِهِ إِلَيَّ عَلَيَّ. ¹⁴ وَلَكِنِّي أَفِرُّ لَكَ بِهَذَا: أَنِّي حَسَبَ الطَّرِيقِ الَّذِي يَقُولُونَ لَهُ شِبَعَةُ هَكَذَا أَعْبُدُ إِلَهَ آبَائِي مُؤْمِنًا بِكُلِّ مَا هُوَ مَكْتُوبٌ فِي التَّامُوسِ وَالْأَنْبِيَاءِ، ¹⁵ وَلِي رَجَاءٌ بِاللَّهِ فِي مَا هُمْ أَيْضًا يَنْتَظِرُونَهُ، أَنَّهُ سَوْفَ تَكُونُ قِيَامَةُ الْأَمْوَاتِ الْأَبْرَارِ وَالْأَنَمَةِ. ¹⁶ لِذَلِكَ أَنَا أَيْضًا أَدْرُبُ نَفْسِي لِيَكُونَ لِي دَائِمًا صَمِيرٌ بِلَا عَنَتٍ مِنْ تَحْوِ اللَّهِ وَالنَّاسِ. ¹⁷ وَبَعْدَ سِنِينَ كَثِيرَةٍ جُنْتُ أَصْنَعُ صَدَقَاتٍ لَأَقْنِي وَقَرَابِينَ. ¹⁸ وَفِي ذَلِكَ وَجَدَنِي مُتَطَهِّرًا فِي الْهَيْكَلِ لَيْسَ مَعَ جَمْعٍ وَلَا مَعَ شَعْبٍ، قَوْمٌ هُمْ يَهُودٌ مِنْ أَسِيَّا، ¹⁹ كَانَ يَتَّبِعِي أَنْ يَخْضُرُوا لَدَيْكَ وَيَسْتَكُونُوا إِنْ كَانَ لَهُمْ عَلَيَّ شَيْءٌ، ²⁰ أَوْ لِيَقُلَ هَؤُلَاءِ أَنْفُسُهُمْ مَاذَا وَجَدُوا فِيَّ مِنَ الذَّنْبِ وَأَنَا قَائِمٌ أَمَامَ الْمَجْمَعِ إِلَّا مِنْ جِهَةِ هَذَا الْقَوْلِ الْوَاحِدِ الَّذِي صَرَخْتُ بِهِ وَاقِفًا بَيْنَهُمْ: أَنِّي مِنْ أَجْلِ قِيَامَةِ الْأَمْوَاتِ أَحَاكُمُ مِنْكُمُ الْيَوْمَ.

بولس در حضور فيليكس فرماندار

¹ و بعد از پنج روز، ختانیای رئیس کهنه با مشایخ و خطیبی ترتولس نام رسیدند و شکایت از پولس نزد والی آوردند. ² و چون او را احضار فرمود، ترتولس آغاز ادعا نموده، گفت: ³ چون از وجود تو در آسایش کامل هستیم و احسانات عظیمه از تدابیر تو بدین قوم رسیده است، ای فلیکس گرامی، در هر جا و در هر وقت این را در کمال شکرگزاری می‌پذیریم. ⁴ و لیکن تا تو را زیاده مُصدِّع نشوم، مستدعی هستم که از راه نوازش مختصراً عرض ما را بشنوی. ⁵ زیرا که این شخص را مفسد و فتنه انگیز یافته‌ایم در میان همه یهودیان ساکن ربع مسکون و از پیشوایان بدعت نصاری، ⁶ و چون او خواست معبد را ملوث سازد، او را گرفته، اراده داشتیم که به قانون شریعت خود بر او داوری نماییم، ولی لیسپاس مینبازی آمده، او را به زور بسیار از دستهای ما بیرون آورد، ⁸ و فرمود تا مدعیانش نزد تو حاضر شوند؛ و از او بعد از امتحان می‌توانی دانست حقیقت همه این اموری که ما بر او ادعا می‌کنیم. ⁹ و یهودیان نیز با او متفق شده گفتند: که چنین است.

¹⁰ چون والی به پولس اشاره نمود که سخن بگوید، او جواب داد: از آن رو که می‌دانم سالهای بسیار است که تو حاکم این قوم می‌باشی، به خشنودی وافر حجت درباره خود می‌آورم. ¹¹ زیرا تو می‌توانی دانست که زیاده از دوازده روز نیست که من برای عبادت به اورشلیم رفتم، ¹² و مرا نیافتند که در معبدی کسی مباحثه کنم و نه در کنایس یا شهر که خلق را به شورش آورم. ¹³ و هم آنچه الآن بر من ادعا می‌کنند، نمی‌توانند اثبات نمایند. ¹⁴ لیکن این را نزد تو اقرار می‌کنم که: به طریقتی که بدعت می‌گویند، خدای پدران را عبادت می‌کنم و به آنچه در تورات و انبیا مکتوب است معتقدم، ¹⁵ و به خدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز قبول دارند که قیامت مردگان از عادلان و ظالمان نیز خواهد شد. ¹⁶ و خود را در این امر ریاضت می‌دهم تا پیوسته ضمیر خود را به سوی خدا و مردم بی‌لغزش نگاه دارم. ¹⁷ و بعد از سالهای بسیار آمدم تا صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم. ¹⁸ و در این امور چند نفر از یهودیان آسیا مرا در معبد مطهر یافتند بدون

²² فَلَمَّا سَمِعَ هَذَا فِيلِكُسُ أَمَّهُلَهُمْ إِذْ كَانَ يَعْلَمُ بِأَكْثَرِ تَحْقِيقِ أُمُورِ هَذَا الطَّرِيقِ قَائِلًا: مَتَى انْخَدَرَ لِيَسِيَّاسُ الْأَمِيرِ أَفْخَصَ عَنْ أُمُورِكُمْ. ²³ وَأَمَرَ قَائِدَ الْمِئَةِ أَنْ يُخْرِسَ بُولُسَ وَتَكُونَ لَهُ رُحْصَةٌ وَأَنْ لَا يَمْنَعَ أَحَدًا مِنْ أَصْحَابِهِ أَنْ يَخْدُمَهُ أَوْ يَأْتِيَ إِلَيْهِ.

الرَّسُولُ بُولُسُ يَخَاطِبُ الْوَالِي وَزَوْجَتَهُ

²⁴ ثُمَّ بَعْدَ أَيَّامٍ جَاءَ فِيلِكُسُ مَعَ دُرُوسِيلا أَمْرَأَتِهِ وَهَيَّ يَهُودِيَّةً، فَاسْتَحْضَرَ بُولُسَ وَسَمِعَ مِنْهُ عَنِ الْإِيمَانِ بِالْمَسِيحِ. ²⁵ وَبَيْنَمَا كَانَ يَتَكَلَّمُ عَنِ الْبِرِّ وَالنَّعَافِ وَالذَّبْنُوَّةِ الْعَتِيدَةِ أَنْ تَكُونَ ارْتِعَابَ فِيلِكُسُ وَأَجَابَ: أَمَّا الْآنَ فَادْهَبْ، وَمَتَى حَضَلْتُ عَلَى وَقْتِ اسْتَدْعَايِكَ. ²⁶ وَكَانَ أَيْضًا يَرْجُو أَنْ يُعْطِيَهُ بُولُسُ دَرَاهِمَ لِيُطْلِقَهُ وَلِذَلِكَ كَانَ يَسْتَحْضِرُهُ مِرَارًا أَكْثَرَ وَيَتَكَلَّمُ مَعَهُ. ²⁷ وَلَكِنْ لَمَّا كَمَلَتْ سِتَانِ قِيلَ فِيلِكُسُ بُورِكْيُوسَ قَسْتُوسَ خَلِيفَةً لَهُ، وَإِذْ كَانَ فِيلِكُسُ يُرِيدُ أَنْ يُودِعَ الْيَهُودَ مَنَّةً تَرَكَ بُولُسَ مُقَيَّدًا.

هنگامه یا شورشی.¹⁹ و ایشان می‌بایست نیز در اینجا نزد تو حاضر شوند تا اگر حرفی بر من دارند ادعا کنند.²⁰ با اینان خود بگویند اگر گناهی از من یافتند وقتی که در حضور اهل شورا ایستاده بودم،²¹ مگر آن یک سخن که در میان ایشان ایستاده، بدان ندا کردم که درباره: قیامت مردگان از من امروز پیش شما بازپرس می‌شود.

²² آنگاه فلیکس چون از طریقت نیکوتر آگاهی داشت، امر ایشان را تأخیر انداخته، گفت: چون لیسپاس مینبازی آید، حقیقت امر شما را دریافت خواهم کرد.²³ پس یوزیاشی را فرمان داد تا پولس را نگاه دارد و او را آزادی دهد و احدی از خویشان را از خدمت و ملاقات او منع نکند.

²⁴ و بعد از روزی چند فلیکس با زوجه خود دُرُسیلا که زنی یهودی بود، آمده پولس را طلبیده، سخن او را درباره ایمان مسیح شنید.²⁵ و چون او درباره عدالت و پرهیزکاری و داوری آینده خطاب می‌کرد، فلیکس ترسان گشته، جواب داد که الحال برو چون فرصت کنم تو را باز خواهم خواند.²⁶ و نیز امید می‌داشت که پولس او را نقدی بدهد تا او را آزاد سازد و از این جهت مکرراً وی را خواسته، با او گفتگو می‌کرد.²⁷ اما بعد از انقضای دو سال، پورکیوس قستوس، خلیفه ولایت فلیکس شد و فلیکس چون خواست بر یهود منت نهاد، پولس را در زندان گذاشت.